



امضای سند بردگی ملت ایران در دوره پهلوی

*** انتشار خبر دستگیری امام که در ابتدای روز صورت گرفت، شهر قم و تهران را به میدان جنگ تبدیل کرد و قیام خونین ۱۵ خرداد شکل گرفت.**

آیت‌الله صدوقی خود در اجتماع سخنرانی روز عاشورا شرکت داشت.



سخنرانی امام‌خمینی(ره) در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ که منجر به دستگیری ایشان و قیام ۱۵ خرداد شد. شهید صدوقی از جمله علمایی بود که در اعتراض به این اقدام اعلامیه صادر و به سمت تهران حرکت کرد.

«حرکت علماء و روحانیون به سمت تهران، پس از قیام خونین ۱۵ خرداد، اولین عکس‌العملی بود که به صورت رسمی صورت پذیرفت؛ و آیت‌الله صدوقی یکی از ایشان بود که اعلامیه‌ای نیز صادر کردند.

عبدالعظیم تشریف فرما شده‌اند. عموم برادران ایمانی و هم‌شهریان گرامی را به خدا می‌سیارم... محمد صدوقی، ۴ صفرالربع ۱۳۸۳»
در حالی که شهرپانی یزد، «وضع عادی» شهر را به شهرپانی کل کشور گزارش کرده بود، گزارش دیگری، از پخش اعلامیه در شهر حکایت داشت: «کلیه اعلامیه‌های روحانیون در یزد به وسیله آیت‌الله صدوقی پیش‌نماز و دامادش که کارمند بانک ملی می‌باشد بین اهالی توزیع و پخش می‌شد»
شبهه برخورد رئیس شهرپانی، با مجبور به عقب‌نشینی نمود و باعث آزادی امام خمینی(ره) و بازگشت ایشان به قم و چراغانی شهر شد.

از طرف دیگر کمپانی‌های آمریکایی به طور مستقیم و با حضور نمایندگان خود و تاسیس دفتر در ایران ، راسا به اکران فیلم‌های خود در سینماهای کشور اقدام کرده و در مقابل، در فروش بلیط، سهمیم می‌شدند! در واقع درمقابل نمایش و اکران کنترل شده تولیدات خود، به لحاظ مالی خود را شریک طرف ایرانی می‌دانستند! و این حضور استعماری به نوعی غارت چاههای نفت کشور را به آذهان متبادر می‌ساخت. با این تفاوت که در این فقره، افکار و اندیشه‌های مخاطب ایرانی را نیز تحت تاثیر قرار داده و به تصرف و تسخیر خود درمی‌آوردند!!

طرفه آنکه اغلب نمایندگان کمپانی‌های یاد شده از یهودیان صهیونیست شناخته شده بودند، مانند دفتر «سینما اینترنت‌نشال کورپوریشن» با ریاست «اوید پاناتان» به نمایندگی از کمپانی‌های متروگلدوین می هر و پارامونت، دفتر «شرکت فاکس قرن بیستم» در ایران به ریاست «ایران» یا «صهیون» به نمایندگی از کمپانی‌های فاکس قرن بیستم و یونایتد آر تیست و دفتر شرکت «آلدرم» به مدیریت «بورلین» نماینده کمپانی‌های کلمبیا و برادران وارنر.

حضور علنی بهاییان در عرصه سینمای ایران
ازاواسط دهه ۳۰ همزمان با ورود تحمیلی مظاهر غرب به ایران و

از اواسط دهه ۳۰ همزمان با ورود تحمیلی مظاهر غرب به ایران و گسترده شدن دست یهودیان و بهاییان در ارکان سیاسی - اقتصادی رژیم شاه مانند: تلویزیون، بانک صادرات و پپسی کولا و ... نماینده‌ای از آنها به نام «مهدی میناقیه»^(۱) با اتکا به ثروت بادآورده پدرش و حمایت‌های دربار، با تقلید از سینمای ترکیه و هند، وارد عرصه تهیه و توزیع فیلم در ایران شد. او که با بازیگری در نقش‌های درجه چندم شروع کرده بود، استودیویی را با تمام امکانات ساخت و به رقابت با سایر تولید کنندگانی که تا آن روز به عرصه سینمای ایران وارد شده بودند، پرداخت.



مهدی میناقیه (اولین نفر از چپ) در کنار عوامل فیلم «تسانها». میناقیه فرزند عبدالمتقاز بهاییان معروف بود که با کمک دربار و براساس طرح جهانی صهیونیسم وارد عرصه تولید فیلم شد.

*** حضور فعال میناقیه برای عملی ساختن وظایفی که از سوی کانون‌های صهیونی برای تقابل با برآم برعهده اش گذارده بودند را می‌توان در فیلم‌های «محل» و «حکیم باشی» (هر دو از نصرت کریمی‌دانش آموخته سازمان پرورش افکار) دید. فیلم‌هایی که آنچنان احکام اسلام را به سخره و مضحکه می‌گرفت که استاد مطهری را ناگزیر ساخت تا در چند شماره یکی از نشریات آن روز به پاسخگویی در مقابل لجن پراکنی‌های نصرت کریمی و مهدی میناقیه بپردازد.**

گسترده شدن دست یهودیان و بهاییان در ارکان سیاسی - اقتصادی رژیم شاه مانند: تلویزیون، بانک صادرات و پپسی کولا و ... نماینده‌ای از آنها به نسام «مهدی میناقیه»^(۱) با اتکا به ثروت بادآورده پدرش و حمایت‌های دربار، با تقلید از سینمای ترکیه و هند، وارد عرصه تهیه و توزیع فیلم در ایران شد. او که با بازیگری در نقش‌های درجه چندم شروع کرده بود، استودیویی را با تمام امکانات ساخت و به رقابت با سایر تولید کنندگانی که تا آن روز به عرصه سینمای ایران وارد شده بودند، پرداخت.

مهدی میناقیه که یکی از موثر ترین عوامل صهیونیسم بین الملل برای هدایت سینمای پیش از انقلاب به شمار می‌آمد، فرزند عبدالمتیقاز بهاییان معروف که با کمک دربار و براساس طرح مفصل محافل جهانی صهیونیسم، وارد عرصه تهیه و تولید فیلم در سینمای ایران شد و مقصد اصلی اش، بطور اهم ساخت فیلم‌هایی با مضمون ضد اسلامی و علیه مقدسات و باورهای دینی بود. نخستین فیلمی‌که مهدی میناقیه تهیه کرد،«شب نشینی در

پاورقی

میزرا محمدباقر بواناتی فردی ضداسلام و جاسوس انگلیس که مدتی نیز از طرف سازمان جاسوسی انگلستان در لبنان مأمور شده بود. او اهل بوانات شیراز بود که پس از اقامت در انگلیس چند بار دین عوض کرده و سرانجام ادعای نبوت کرده است. او ابتدا شیعه بود، مدتی درویش شد و سپس دین مسیحیت را پذیرفت و نام «جان» بر خود گذاشت. کمی بعد به یهود متمایل شد و نام «ابراهیم» را انتخاب کرد، مدتی لاییک بود و در نهایت با تلقیق اسلام و مسیحیت ادعای نبوت نمود و «شمسیه لندنیه» را نوشت. وی آموزگار اصلی زبان فارسی و عربی ادوارد براون بوده و براون را با اسلام آشنا کرده است. او همچنین معلم حسین قلی‌خان نواب و عباسقلی‌خان نواب، برادرش هم بود.

وی درویش بود و ادوارد براون را با تصوف و درویشی آشنا نمود و در آموزش مکاتبه‌ای براون نقشی جدی برعهده داشت. پیرزاده در سال ۱۸۸۵ م، با براون آشنا شد و لقب «مظهر علی» را به او اعطا کرد. او تا پایان عمر با براون مکاتبه و همکاری مخفی داشت.

پیرزاده براون را بر فرقه اسماعیلیه و سایر شاخه‌های درویشی آشنا کرد، به نحوی که وی قبل از ورود به ایران با رهبران فرقه‌های درویشی و اسماعیلیه به خوبی آشنا بود. براون در مکاتبات خود با پیرزاده و سایر درویش‌ها از لقب پرتقنی مظهر علی استفاده می‌کرد.

سیدحسن تقی‌زاده
وی فرزند سید تقی - امام جماعت مسجد بازارچه تبریز از صمیمی‌ترین دوستان براون - بود به نحوی که براون در صدر نامه‌اش به تقی‌زاده می‌نویسد: «قربان آن وجود شریف گرده». تقی‌زاده در سال ۱۲۵۶ ه‍.ش. در خانواده‌ای روحانی در تبریز متولد شد. او در حالی که در کسوت روحانیت بود، به رغم میل پدر در مدرسه آمریکایی‌ها با علوم جدید آشنا شد و زبان فرانسه را در خفا آموخت. او از جوانی با نوشته‌های نویسندگان تجددخواه نظیر «میرزا ملک‌خان» آشنا شد

و جذب جریان شوم فراماسونری شد. تقی‌زاده در نهضت مشروطه از مهرهای اصلی انگلیس و از مریدان فکری میرزا ملکم‌خان بود. او در مبارزهای ضداستبدادی تبریز نقش جدی داشت و در اولین مجلس شورای ملی به عنوان نماینده تبریز وارد مجلس شد. پس از برقراری استبداد صغیر از ترس دستگیری به سفارت انگلستان پناهنده شد و توسط سفارت به همراه ۵ نفر دیگر که علی‌اکبر دهخدا نیز با آنان بود، راهی انگلستان شد.

نظر به اینکه ادوارد براون یک فراماسون بود، در جهت اخوت ماسونی رابطهای بسیار گرم با تقی‌زاده برقرار کرد. او در نامه‌های خود با تقی‌زاده با الفاظی مانند: آن حضرت، آن وجود عزیز، سر کرده مجاهدان وطن پرست، وجود مسعود، سخن می‌گفت و خود را مخلص و دعاگوی اخلاص کیش وی می‌شمرد. تقی‌زاده وابستگی به دولت استعماری انگلیس را به اوج رسانید، از لباس روحانیت خارج شد و به قول خودش از ناخن یا تا فرق سر اروپایی و انگلیسی شد. او در بهمن ماه سال ۱۳۴۸ پس از عمری نوکری برای جریان شوم فراماسونری و استعمار غرب در تهران مرد و در خاکی که خائن به آن بود، مدفون شد.

نظیر «میرزا ملک‌خان» آشنا شد و جذب جریان شوم فراماسونری شد. تقی‌زاده در نهضت مشروطه از مهرهای اصلی انگلیس و از مریدان فکری میرزا ملکم‌خان بود. او در مبارزهای ضداستبدادی تبریز نقش جدی داشت و در اولین مجلس شورای ملی به عنوان نماینده تبریز وارد مجلس شد. پس از برقراری استبداد صغیر از ترس دستگیری به سفارت انگلستان پناهنده شد و توسط سفارت به همراه ۵ نفر دیگر که علی‌اکبر دهخدا نیز با آنان بود، راهی انگلستان شد.



حضور علنی بهاییان در عرصه سینمای ایران

«ازاواسط دهه ۳۰ همزمان با ورود تحمیلی مظاهر غرب به ایران و گسترده شدن دست یهودیان و بهاییان در ارکان سیاسی - اقتصادی رژیم شاه مانند: تلویزیون، بانک صادرات و پپسی کولا و ... نماینده‌ای از آنها به نام «مهدی میناقیه» با اتکا به ثروت بادآورده پدرش و حمایت‌های دربار، با تقلید از سینمای ترکیه و هند، وارد عرصه تهیه و توزیع فیلم در ایران شد. مهدی میناقیه که یکی از موثر ترین عوامل صهیونیسم بین الملل برای هدایت سینمای پیش از انقلاب به شمار می‌آمد، فرزند عبدالمتیقاز از بهاییان معروف که با کمک دربار و براساس طرح مفصل محافل جهانی صهیونیسم، وارد عرصه تهیه و تولید فیلم در سینمای ایران شد.

و غرضشان از تولیدات به اصطلاح فرهنگی، از میان برداشتن اسلام و فرهنگ دینی مردم بود، نمی‌توانستند به طور ماهوی با فیلمی همچون «شب نشینی در جهنم» مخالف باشند. همان‌طور که بعدا به خاطر حفظ موقعیت رژیم، شاه ناچار می‌شود به فرمان و خواسته آیت‌الله العظمی‌بروجردی سر فرود آورده و دستور تخریب خلیصره القدس بهاییان در تهران را بدهد و یا در اوایل دهه ۴۰ ساواک پیشنهاد می‌دهد که برای جلوگیری از غلیان خشم مردم مسلمان نسبت به ریاست بهاییان بر تنها کاتال تلویزیونی کشور، تلویزیون بهاییان متعلق به حبیب ثابت را تعطیل و با تانسیس یک تلویزیون دیگر با مدیریت غیر بهاییان، عناصر بهایی را به آن منتقل سازند.

علاوه بر آن، میناقیه با تانسیس استودیویی مجهز به لایراتوار و اتاق تدوین و صداگذاری، سعی کرد با سرویس دادن به تهیه کنندگان دیگر در نوع ساخت فیلم‌های آنان نیز نفوذ کند. از دیگر فیلم‌های وی می‌توان به «فریاد نیمه شب» (که آن را با معشوقه شاه، پروین غفاری ساخت) ، «روسی» (که فاحشه گری را در جامعه رسمیت می‌بخشید) و «کل اصفهانی در نیویورک» نام برد.

اما حضور فعال میناقیه برای عملی ساختن وظایفی که از سوی کانون‌های صهیونی برای تقابل با اسلام برعهده اش گذارده بودند را می‌توان در فیلم‌های «محل» و «حکیم باشی» (هر دو از نصرت کریمی‌دانش آموخته سازمان پرورش افکار) دید. فیلم‌هایی که آنچنان احکام اسلام را به سخره و مضحکه می‌گرفت که استاد مطهری را ناگزیر ساخت تا در چند شماره یکی از نشریات آن روز به پاسخگویی در مقابل لجن پراکنی‌های نصرت کریمی و مهدی میناقیه بپردازد.

*** رژیم‌ی که در محوریت مدیران و مسئولین آن، عوامل فرقه ضاله بهائیت فعال بودند و همانطور که دراسناد و مدارکشان نیز آمده، قصد و غرضشان از تولیدات به اصطلاح فرهنگی، از میان برداشتن اسلام و فرهنگ دینی مردم بود، نمی‌توانستند به طور ماهوی با فیلمی همچون «شب نشینی در جهنم» مخالف باشند.**



اعطای لقب «مظهر علی» به براون!

عیسی صدیق در کنار محمدرضا پهلوی. وی از خادمان پهلوی پدر و پسر بود. او به مدت یک سال دستیار براون و از مدافعان سرسخت کشف جناب بود و تا پایان عمر در جهت اهداف انگلیس حرکت کرد.

عیسی صدیق
صدیق در سال ۱۲۷۳ ه‍.ش. در تهران متولد شد. پدرش «میرزا عبدالله شالمو» ملقب به «صدیق التجار اصفهانی» بود. او در دارالفنون درس خواند و پس از نهضت مشروطه به عنوان دانشجو به فرانسه اعزام شد و لیسانس ریاضی گرفت. او سپس عازم انگلستان شد و به مدت یک سال دستیار ادوارد براون بود. براون در این یک سال چنان عیسی صدیق را نمک‌گیر کرد که تا آخر عمر مداح او بود. صدیق در کتاب «یادگار عمر» می‌نویسد:

«فقط پس از رفتن به دانشگاه کمبریج و حشر و نشر با پرفسور براون و مطالعه کتبی که او معین کرده بود تا حدی متوجه عظمت گذشته ایران شدم و به خود آمدم و روحیام عوض شد و به ایرانی بودن خویش مباهات کردم.»

عیسی صدیق پس از بازگشت به ایران به طور مستمر با ادوارد براون در ارتباط بود و پس از مرگ او نیز کمیته‌ای برای تقدیر از براون تشکیل داد. وی یکی از مؤسسان دانشگاه تهران و سومین رئیس آن بود. صدیق ۶ دوره وزیر فرهنگ در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ ه‍.ش. و ۵ دوره نماینده مجلس سنا بود.

او از نوکران حلقه به گوش رضاخان و محمدرضا پهلوی و دبیر هیئت مدیره بلیط بخت‌آزمایی و یکی از مدافعان سرسخت بی‌حجایی بود. وی تا پایان عمر در جهت اهداف استعماری دولت انگلیس حرکت کرد و در اواخر عمر، دبیری مجمع عمومی حزب بدنام «رستائیز» را پذیرفت و در سال ۱۳۵۷ ه‍.ش. پس از عمری چالپوسی استعمارگران خارجی و مستبدین داخلی را دید رفت.

صدیق از فرهنگ ایران باستان به عنوان حربه‌ای بر ضد اسلام و تمدن اسلامی در ایران استفاده کرد و ماسون‌ها را پیشوایان علم و تقوی می‌دانست، وی در کتاب یادگار عمر می‌نویسد: «دواز براون پیوسته از دانشمندان و پیشوایان علم و تقوی سخن می‌گفت و نسبت به سید حسن تقی‌زاده، میرزا محمد قزوینی و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی ارادت فوق‌العاده داشت»

و سپس برای توسعه فعالیت‌هایشان، به تعداد سینماهای گروه خود افزودند و بعد استودیوی دوبلاژ مجهزی را برای آماده سازی فیلم‌های وارداتی شان به وجود آوردند. از آنجا که همچنان قصد گسترش فعالیت‌هایشان را داشتند، در آذر ۱۳۴۳ اطلاعاتیه مشروحی در جهت معرفی اهدافشان تحت عنوان «آگهی مهم مولن روز، طرحی بزرگ، به فکری نو در مقیاس جهانی به شما عرضه می‌شود» منتشر کردند.

در اینس اطلاعاتیه برادران اخوان اعلام کرده بودند که شرکت سهامی «یونایتد پیکچرز اینترنشنال» را در شرف تاسیس دارند و از عموم علاقه‌مندان برای خرید سهام شرکت دعوت به عمل آورده بودند. سپس سهامی و طرح‌های خود را در خصوص اعطای بورس تحصیلی به صاحبان سهام که استعداد بازیگری و کارگردانی داشتند، اعزام صاحبان سهام به جشنواره‌های بین المللی و استودیوهای فیلمبردار‌ی‌الیوود و سایر برنامه‌های تولیدی شان را نیز اعلام کردند که در راس آنها فیلم «هاشم خان» قرار داشت. در آن اطلاعاتیه آمده بود: «فیلم هاشم خان بوسیله کارگردان و تهیه کننده و هنرپیشه آمریکایی به مقیاس بین المللی در دست تهیه است…»

اما به زودی مشخص شد که تمامی ادعاهای فوق فقط در حد حرف



مهدی میناقیه تهیه‌کننده (اولین نفر ایستاده از چپ) در کنار عوامل فیلم ضددینی «شب‌نشینی در جهنم»

*** اصلی ترین گردانندگان سینمای شاهانه، مصطفی اخوان یکی از برادران اخوان بود که به همراه برادرش مرتضی، شرکت «مولن روز» را در مهرماه ۱۳۳۵ در کنار تاسیس سینما مولن روز (سروش فعلی) به ثبت رساند. برادران اخوان ابتدا فیلم‌های عمداً آمریکایی را از محصولات کمپانی‌های «پارامونت» و «یونایتد آر تیست» وارد می‌کردند.**

و سخن بوده و تنها موردی که عملی شد، ساخت فیلم «هاشم خان» بود البته نه بوسیله کارگردان و تهیه کننده و یا هنرپیشه آمریکایی بلکه به تحصیل سینما بپردازد!!

۱ - مهدی میناقیه از تهیه کنندگان سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۵۶ سینمایی ایران که با استفاده از ثروت پدرش و زمینه‌ای که رژیم شاه برای نفوذ بهاییان در ارکان‌های اقتصادی و فرهنگی سینمای ایران فراهم آورده بود، به عنوان یکی از تولیدکنندگان شاخص سینمای فیلمفارسی شناخته شد. اگرچه سعی کرد برای مقابله با سینمای ملی، با تولید آثار شبه روشنفکری، جبهه فیلم‌های به اصطلاح هنری را هم در کنار فیلمفارسی بوجود آورد، اما تولیدات مستعجنی مانند «برهنه تا ظهر با سرعت»«خسرو هرنشاس - بلوچ» یا «بلوچ» (مسعود کیمیایی) وی را از جرگه تولید کنندگان سینمای فیلمفارسی به شهناز خوشحال - انتشارات پشوتن - چاپ اول - ۱۳۹۴.

۲ - ابتدا قرار بود سردار ساگر - فیلم را کارگردانی کند و سپس موشق سروری برای ساخت آن انتخاب شد. پس از او ، ساموئل خاچیکیان به کار فراخوانده شد ولی در نهایت از همکاری حسین مدنی و حسین دانشور نیز بهره گرفته شد و خود میناقیه آن را تکمیل کرد. برای مطالعه بیشتر رک به «پنم قرن خاطرات سینمای ایران» - حسن شریفی، مدیر نشر استودیو میناقیه و شهناز خوشحال - انتشارات پشوتن - چاپ اول - ۱۳۹۴.

صفحه ۶

دوشنبه ۵ مهر ۱۳۹۵

۲۴ دی‌مچه ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۴۵

انگلیس پناهنده و سرانجام به اروپا تبعید شد. توقف او در لندن طولانی شد اما در مدتی کوتاه با ادوارد براون آشنا و با او به کمبریج رفت و توسط او در اختیار سرویس اطلاعاتی انگلیس قرار گرفت. وی عضو جمعیت ایران و کمیته اعتدالیون و از مشروطه‌خواهان طرفدار انگلیس بود.

میرزا ملکم خان
وی فرزند «میرزا یعقوب» از ارمنه جلفای اصفهان بود. او از دوستان صمیمی براون بود که تقی‌زاده او را «مرشد فکری» خود می‌دانست. بعضی او را «پدر فراماسونری ایران» می‌دانند. ملکم خان به دروغ ادعای مسلمانی کرد و در دوران ناصری به سفارت ایران در انگلستان و در دوره مظفرالدین شاه به سفارت ایران در ایتالیا منصوب شد. او یکی از رچل سیاسی بدنام و حرام‌خوار دوره قاجار بود که دو بار به علت زد و بند سیاسی، اخذ رشوه و تأسیس لژ فراماسونری دستگیر و زندانی شد. ادوارد براون با این رچل بدنام سیاسی در قالب برادری ماسونی رابطهای صمیمانه داشت.

صدیق در سال ۱۲۷۳ ه‍.ش.
در تهران متولد شد. پدرش «میرزا عبدالله شالمو» ملقب به «صدیق التجار اصفهانی» بود. او در دارالفنون درس خواند و پس از نهضت مشروطه به عنوان دانشجو به فرانسه اعزام شد و لیسانس ریاضی گرفت. او سپس عازم انگلستان شد و به مدت یک سال دستیار ادوارد براون بود. براون در این یک سال چنان عیسی صدیق را نمک‌گیر کرد که تا آخر عمر مداح او بود. صدیق در کتاب «یادگار عمر» می‌نویسد:

«فقط پس از رفتن به دانشگاه کمبریج و حشر و نشر با پرفسور براون و مطالعه کتبی که او معین کرده بود تا حدی متوجه عظمت گذشته ایران شدم و به خود آمدم و روحیام عوض شد و به ایرانی بودن خویش مباهات کردم.»

عیسی صدیق پس از بازگشت به ایران به طور مستمر با ادوارد براون در ارتباط بود و پس از مرگ او نیز کمیته‌ای برای تقدیر از براون تشکیل داد. وی یکی از مؤسسان دانشگاه تهران و سومین رئیس آن بود. صدیق ۶ دوره وزیر فرهنگ در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ ه‍.ش. و ۵ دوره نماینده مجلس سنا بود.

او از نوکران حلقه به گوش رضاخان و محمدرضا پهلوی و دبیر هیئت مدیره بلیط بخت‌آزمایی و یکی از مدافعان سرسخت بی‌حجایی بود. وی تا پایان عمر در جهت اهداف استعماری دولت انگلیس حرکت کرد و در اواخر عمر، دبیری مجمع عمومی حزب بدنام «رستائیز» را پذیرفت و در سال ۱۳۵۷ ه‍.ش. پس از عمری چالپوسی استعمارگران خارجی و مستبدین داخلی را دید رفت.

صدیق از فرهنگ ایران باستان به عنوان حربه‌ای بر ضد اسلام و تمدن اسلامی در ایران استفاده کرد و ماسون‌ها را پیشوایان علم و تقوی می‌دانست، وی در کتاب یادگار عمر می‌نویسد: «دواز براون پیوسته از دانشمندان و پیشوایان علم و تقوی سخن می‌گفت و نسبت به سید حسن تقی‌زاده، میرزا محمد قزوینی و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی ارادت فوق‌العاده داشت»

و سپس برای توسعه فعالیت‌هایشان، به تعداد سینماهای گروه خود افزودند و بعد استودیوی دوبلاژ مجهزی را برای آماده سازی فیلم‌های وارداتی شان به وجود آوردند. از آنجا که همچنان قصد گسترش فعالیت‌هایشان را داشتند، در آذر ۱۳۴۳ اطلاعاتیه مشروحی در جهت معرفی اهدافشان تحت عنوان «آگهی مهم مولن روز، طرحی بزرگ، به فکری نو در مقیاس جهانی به شما عرضه می‌شود» منتشر کردند.

در اینس اطلاعاتیه برادران اخوان اعلام کرده بودند که شرکت سهامی «یونایتد پیکچرز اینترنشنال» را در شرف تاسیس دارند و از عموم علاقه‌مندان برای خرید سهام شرکت دعوت به عمل آورده بودند. سپس سهامی و طرح‌های خود را در خصوص اعطای بورس تحصیلی به صاحبان سهام که استعداد بازیگری و کارگردانی داشتند، اعزام صاحبان سهام به جشنواره‌های بین المللی و استودیوهای فیلمبردار‌ی‌الیوود و سایر برنامه‌های تولیدی شان را نیز اعلام کردند که در راس آنها فیلم «هاشم خان» قرار داشت. در آن اطلاعاتیه آمده بود: «فیلم هاشم خان بوسیله کارگردان و تهیه کننده و هنرپیشه آمریکایی به مقیاس بین المللی در دست تهیه است…»

اما به زودی مشخص شد که تمامی ادعاهای فوق فقط در حد حرف